

● گزارش‌ها و تحلیل‌ها

منطق تراکمی هم‌پیوندی اقتصادی:

انتقال انرژی ایران به اروپا

این برنامه‌ها که توسط اتحادیه پولی اروپا تأمین

۱. به نقل از:

Green Paper: Towards a European Strategy for the Security of Energy Supply, European Commission, Page 12, November 29, 2000.

2. INOGATE: (Interstate Oil and Gas Transport to Europe)

۳. Energy Charter، باید در نظر داشت که

منشور انرژی ممکن است از دید برخی ترتیبی فراتر از یک ترتیب منطقه‌ای در نظر گرفته شود.

۴. مطلب مندرج در این نوشته صرفاً دیدگاه‌های کارشناسی نویسنده و نه مواضع رسمی اداره، معاونت و یا وزارت امور خارجه را منعکس می‌نماید.

در چارچوب گفتگوهای جاری با کشورهای

تولیدکننده (نفت و گاز)، موافقت‌نامه‌های ارتقای

سرمایه‌گذاری و عرضه باید مشتمل بر چه

محتوایی باشند؟ باتوجه به اهمیت مشارکت با

روسیه، به‌خصوص، چگونه مقادیر تثبیت شده

(انرژی)، قیمت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها می‌توانند

تضمین شوند؟^۱

این نوشته به بحث درباره دو ترتیب

نفتی منطقه‌ای، یعنی اینوگیت^۲ و منشور انرژی^۳

و موضعی که جمهوری اسلامی ایران قاعداً

می‌تواند در قبال آن‌ها بگیرد، اختصاص دارد.^۴

مالی و یا حمایت می‌شوند، در نهایت کوشش برای رسیدن به بازارهای کارا، پایا، باز و امن انرژی و نیز تسهیل حمل و نقل نفت و گاز به سوی بازارهای صادراتی اروپا و غرب را از طریق هم‌پیوندی‌های منطقه‌ای در نظر دارند.

تم اصلی این مقاله این است که ایران می‌تواند نگاه به این‌گونه را از زاویه منطق یادگیری‌های تراکمی ناشی از هم‌پیوندی^۱ مورد تعقیب قرار دهد. پیش‌بینی می‌شود بخش نفت و گاز که برای مدتی حداقل بیش از نیم قرن در آینده، البته با شرایط یکسان^۲، همچنان یک مزیت برتر اقتصاد ایران را تشکیل دهد. بنابراین اگر روند هم‌پیوندی اقتصادی با منطقه یورو بنا باشد به‌عنوان یکی از انتخاب‌های استراتژیک پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در جهت نیل به ثبات پایدار قیمت‌ها^۳ مدنظر قرار گیرد^۴، در آن صورت شروع روند هم‌پیوندی موردنظر می‌تواند (و چه بسا لازم است) که از بخش نفت و گاز آغاز شود. یادگیری‌های ناشی از هم‌پیوندی در این بخش قوی و نسبتاً مورد علاقه شدید غرب و اروپا، به تدریج می‌تواند به سایر بخش‌ها سرایت نموده و تقویت حس اعتماد و همکاری طرفین را برای نیل به مراحل بعدی

همکاری و هم‌پیوندی در پی داشته باشد. اما اگر ایران و یا منطقه پولی اروپا به دلایل خاص خود نخواهند چنان هم‌پیوندی اقتصادی را بر تابند، در آن صورت، برخورد ایران با ترتیباتی نظیر این‌گونه و منشور انرژی در چارچوبی چند جانبه و در سایه مشارکت با سایر تولیدکنندگان نفت، به‌خصوص در مجموعه اوپک و یا کشورهای نفتی عضو شورای همکاری خلیج فارس، از حرکت در چارچوب دوجانبه فعلی و پاسخگویی از آن منظر، معقول‌تر به نظر می‌رسد.

ذکر یک نکته هم در این خلاصه خالی از لطف نیست و آن این که هم‌پیوندی اقتصادی پیشنهادی نوشته حاضر در منظر تاریخی خود، یک بار دیگر یادآور بحث‌ها و رویکردهایی

1. Cumulative Logic of Integration

2. Ceteris Paribus

3. Price Stability

۴. این هم‌پیوندی با عنوان: «طرح یک اتحادیه پولی غیرمتمرکز برای ایران (A decentralized monetary union for Iran) در منبع زیر به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است: علی بی‌نیاز، بررسی ابعاد پولی هم‌پیوندی اقتصادی ایران با مناطق یورو و دلار، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱).

براساس نگاه نخست، سؤالی که بلافاصله به ذهن متبادر می‌شود این است که: آیا ایران می‌تواند از این‌گونه به عنوان ترتیبی که هم‌پیوندی عام اقتصادی آن را با منطقه پولی اروپا تهییج نماید، استفاده کند؟ به عبارت عام‌تر، آیا منطقه پولی اروپا ممکن است به کشورهای متقاضی عضویت در این‌گونه، در حال و یا در آینده، از منظر هم‌پیوندی اقتصادی در معنایی وسیع‌تر از هم‌پیوندی در زمینه ترانزیت حامل‌های انرژی بنگرد؟ و آیا در آن صورت، این‌گونه نگاه یکسانی را نسبت به کشورهای متقاضی عضویت دارد و یا ممکن است نسبت به بعضی از آنها با دید مساعدتری بنگرد؟ به طور هم‌ارز، براساس فرض هم‌پیوندی عام اقتصادی مورد نظر ما، آیا تمام کشورهای وارد شونده در سیستم این‌گونه، از توانایی و پتانسیل یکسانی از نظر نهادی، ساختاری و قانونی در پذیرش هم‌پیوندی

۱. برای بررسی بیشتر در باره این رویکردها به عنوان مثال رجوع کنید به: محمدعلی همایون کاتوزیان، *تضاد دولت و ملت نظریه تاریخ و سیاست در ایران*، ترجمه علیرضا طیب، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۰).

2. Cumulative Logic of Integration

است که بیش از هشتادسال پیش از این هم، نخبگان سیاسی ایران در راستای نجات اقتصاد و سیاست کشور بدان‌ها دست می‌یازیدند. این رویکردها طیف وسیعی از راه‌حل‌ها، از راه حل وثوق‌الدوله گرفته تا راه‌حل شیخ محمد خیابانی و میرزا کوچک‌خان جنگلی را شامل می‌شد.^۱ اما بخت در آن ایام با ملت ایران چندان یار نبود و ما امروز همان مباحث را، اما در شرایطی به مراتب بهتر از نظر بین‌المللی و با تجربه‌ای سترگ‌تر از نظر ملی، پی می‌گیریم.

۱. مقدمه

این‌گونه راه، به عنوان ترتیبی که توسط اتحادیه پولی اروپا هدایت می‌شود، در نگاه مورد نظر این نوشتار، از دو جهت می‌توان مورد بررسی قرار داد: نخست از حیث یادگیری‌های ناشی از آن در تقویت هم‌پیوندی‌های اقتصادی منطقه‌ای، که از آن گاهی در ادبیات اقتصادی با عنوان "منطق یادگیری‌های تراکمی ناشی از هم‌پیوندی"^۲ یاد می‌شود و دوم از حیث رابطه آن با تأمین امنیت عرضه انرژی برای بلوک‌های اقتصادی موجود و رو به شکل‌گیری جهان در آینده.

اقتصادی با منطقه یورو برخوردارند و یا بسته به تفاوت توانایی بالقوه آنان، اتحادیه پولی اروپا ممکن است به اشکال متفاوتی آنان را در آینده مورد تعامل قرار دهد؟

براساس نگاه دوم، سؤال قابل طرح این است که اگر غرب را در کلیت خود به دو منطقه اقتصادی یورو و دلار قابل تقسیم بدانیم، آیا سیستم اینوگیت می‌تواند تهدیدی از سوی منطقه اقتصادی یورو برای منطقه دلار و به‌طور مشخص برای امریکا محسوب شود؟ و یا منافع هر دو بلوک از پیگیری آن، به‌طور یکسان و یا حداقل غیرقابل منازعه‌ای در مقابل شرق تأمین خواهد شد؟

همچنین براساس نگاه دوم، جایگاه ایران به‌عنوان کشوری مهم از تولیدکنندگان نفت و گاز جهان در چند دهه آینده و عضوی از اتحادیه نفتی اوپک در مقابل منشور انرژی و اینوگیت به چه صورتی قابل ترسیم است؟ آیا سیستم فوق تهدیدی بر ضد اوپک محسوب می‌شود؟ آیا اعضای اوپک و از جمله ایران، می‌توانند بدون هیچ‌گونه تحفظی با هدف دستیابی به منابع سرمایه‌ای ناشی از ورود در منشور انرژی و اینوگیت اروپایی، به عضویت آن

در آیند؟ و یا این که این کشورها لازم است به منظور بدست آوردن حداکثر منفعت ناشی از تولید و فروش انرژی خود، موضعی بی‌تفاوت و یا منفی را در مقابل اینوگیت اتخاذ نمایند؟ آیا به نفع است که کشورهای عضو اوپک و یا هر زیر مجموعه از اعضای آن، که از نظر جغرافیایی همسایه یکدیگرند، به صورت گروهی در مقابل منشور انرژی و اینوگیت به چانه‌زنی بپردازند؟ و بالاخره، آیا زمان‌بندی و ترتیب ورود تدریجی آنان در اینوگیت، منشور انرژی، نمی‌تواند منافع و هزینه‌های ناشی از ورود و یا عدم ورود اعضای باقی‌مانده را تحت تأثیر قرار دهد؟

تلاش برای دستیابی به پاسخ این مجموعه از سؤالات، محتوای بقیه مطالب نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهد. به این ترتیب قسمت دوم مقاله به ذکر تعاریف کوتاهی از اینوگیت، منشور انرژی و بیان مفروضات این نوشته می‌پردازد. برخی از این مفروضات از برخی دیگر در همین مقاله به‌صورت منطقی استنتاج شده‌اند. قسمت سوم به شرح منطقی یادگیری‌های تراکمی، که هسته اصلی این نوشته را تشکیل می‌دهد، می‌پردازد. قسمت چهارم اینوگیت و منشور انرژی را از نگاه تضاد منافع

هم‌پیوندی منطقه‌ای در سیستم لوله‌های نفت و گاز و تسهیل حمل‌آنان در داخل منطقه و به سوی بازارهای صادرات اروپا و غرب است. این برنامه از جذب سرمایه‌های بخش خصوصی و سرمایه‌نهاد‌های مالی بین‌المللی به پروژه‌های خط لوله به‌عنوان کاتالیزور استفاده می‌نماید.

امنیت عرضه انرژی از سوی اتحادیه

پولی اروپا نه به مفهوم حداکثر نمودن خودکفایی در تولید انرژی و یا حداقل نمودن وابستگی که به معنی کاهش ریسک در امر وابستگی مدنظر قرار گرفته است. دو راه تعقیب این هدف، ایجاد توازن جغرافیایی در مبانی تولیدی در خارج از منطقه و موازنه کالایی انرژی می‌باشد.

اهداف و مأموریت منشور انرژی نیز در صفحه‌خانه اینترنتی خاص آن به شکل زیر معرفی شده است:

واژه منشور انرژی برای پوشش دادن به کلیه الزامات موجود و فعالیت‌های مرتبط با منشور انرژی اروپایی سال ۱۹۹۱ میلادی و معاهده منشور انرژی سال ۱۹۹۴ (که با موافقت‌نامه تجارت سال ۱۹۹۸ تکمیل شده

اروپا و امریکا به بحث می‌گذارد. قسمت پنجم دو ترتیب مزبور را از منظر تضاد منافع شرق و غرب مورد بحث قرار می‌دهد و قسمت ششم به برخورد کشورهای تولیدکننده نفت در حوزه جغرافیایی خلیج‌فارس با اینوگیت و منشور انرژی اختصاص دارد.

۲. تعاریف و مفروضات

۱-۲- تعاریف: این نوشته براساس مطالعه اجمالی صفحه‌خانه اینترنتی اینوگیت، منشور انرژی، نیز دریافت‌های نگارنده از مطالعه تحولات جدید اقتصاد بین‌المللی و برخی حدس‌های علمی^۱ به رشته تحریر درآمده است. بنابراین نوشتار حاضر اولاً نوشته‌ای تحلیلی است و نه ناقل اطلاعات و ثانیاً نکات مطرح شده در آن کاملاً قابل تعدیل و بحث‌پذیر می‌باشند.

ترتیب نفتی اینوگیت در صفحه‌خانه اینترنتی آن^۲، به شکل زیر معرفی شده است: اینوگیت برنامه‌ای است که توسط اتحادیه اروپا تأمین مالی شده و حمل و نقل نفت و گاز به اروپا را در بر می‌گیرد. هدف آن به‌طور کلی، ارتقای امنیت عرضه انرژی از طریق بالا بردن

1. Educated guess

2. www.inogate.org/html/brief/brief2.html.

است) و پروتکل منشور انرژی سال ۱۹۹۴ در ابعاد کارایی انرژی و موضوعات زیست محیطی به کار می‌رود.

این منشور کوشش برای رسیدن به بازارهای کارا، پایا، باز و امن انرژی و نیز ارتقاء جو سازنده منتهی به وابستگی متقابل ملت‌ها در زمینه انرژی براساس اعتماد متقابل را سرلوحه هدف‌های خود قرار داده است.

این اهداف به شکل ریزتر از طریق اهداف دیگر از جمله اهداف زیر قابل تعقیب می‌باشند:

- توسعه قوانین آشکار و مورد توافق عموم در زمینه ترانزیت انرژی؛
- کمک به کشورها برای توسعه سیاست‌های ملی کارآمد انرژی؛
- توسعه پوشش جغرافیایی روند منشور انرژی؛
- توسعه نقش کنفرانس منشور انرژی به‌عنوان یک مجمع بین دولتی برای توسعه مباحث سیاستی شرق و غرب.

۲-۲. مفروضات

۲-۲-۱ - نگاه این نوشتار نگاهی

تحلیلی و آینده‌نگرانه^۱ (و نه صرفاً اجرایی) به مسأله عضویت و یا عدم عضویت کشورهای تولیدکننده انرژی و از جمله ایران در سیستم اینوگیت است. طبیعتاً نگاه تحلیلی موردنظر این نوشتار واقعیت‌های اجرایی صورت پذیرفته از سوی ایران در مسأله موردنظر را تا زمان حاضر به چالش نمی‌طلبد، اما امیدوار است از پتانسیل کافی در جهت‌دهی به و یا روشن‌گری پیرامون روندهای اجرایی احتمالی در مسأله در آینده برخوردار باشد.

۲-۲-۲ - اینوگیت و منشور انرژی

به‌لحاظ اهداف و وجوه مورد نظر ما در این مقاله، به‌طور یکسان مورد بررسی قرار گرفته‌اند. زیرا بین دو سیستم فوق، گرچه تفاوت‌هایی از بعضی جهات متصور است؛ اما هر دو، سازمان‌هایی هستند که امنیت عرضه انرژی به اروپا (و بلکه غرب) را وجهه همت خود قرار داده‌اند. شاید بتوان دو سیستم فوق را به لحاظ اهداف، به‌صورت دایره‌هایی متداخل فرض نمود. همچنین یکی از بهترین راه‌های امنیت بخش به عرضه انرژی، پرداختن به برقراری سیستم حمل‌ونقل ارزان، آسان و مطمئن آن

1. Visionary

کشورهای تولیدکننده و با پذیرفتن تعهداتی در اینوگیت، احتمال بروز رفتار غیر قابل پیش‌بینی از سوی آنان را در آینده به شکل قابل توجهی کاهش می‌دهد. همچنین این امر نقش قابل اعتنايي در تغيير تدريجي كالايي نفت و گاز از كالايي با قيمت انحصاري - كه توليدكنندگان آن را با دست‌كاري حرفه‌اي^۲ در بازار انرژی تعیین می‌کنند - به كالايي با قيمت رقابتي - كه تعاملات بازار عرضه و تقاضا قيمت آن را در يك سيستم رقابتي تعیین می‌کند - خواهد داشت.

۲-۲-۴ - حرکت اینوگیت و منشور انرژی به‌عنوان حرکتی استراتژیک در بازار بلندمدت انرژی محسوب می‌شود که علاوه بر کاهش دامنه عوامل غیر اقتصادی تأثیرگذار بر عرضه انرژی، تبدیل آن را به كالايي اقتصادي، رقابتي در بلندمدت (و يا حتي میان مدت) وجه همت خود قرار داده است.

۲-۲-۵ - بلوک‌های رقیب اروپا، از توسعه کیفی اینوگیت، منشور انرژی و بالاگرفتن کار آن‌ها ناخرسند نخواهند شد. زیرا از نظر

است. گاهی نیز از فروپاشی احتمالی و یا کاهش اهمیت تدریجی منشور انرژی یاد می‌شود. اینگونه تعابیر به خودی خود می‌تواند مشعر به این معنی باشد که اینوگیت می‌تواند به راحتی هدف مندرج در منشور انرژی را عملیاتی کند که می‌تواند آن را در کلوبی کوچک‌تر و مؤثرتر از اعضاء مورد تعقیب و پیگیری قرار دهد.

۲-۲-۳ - به‌طور مشخص، نوشتار حاضر به ترتیب منطق‌های اینوگیت، فراتر از سیستم سامان‌دهنده حمل و نقل بین دولتی نفت و گاز به اروپا، به‌عنوان سیستمی که تأمین آتی امنیت بازار انرژی اروپا (و غرب) را مدنظر دارد، می‌نگرد. علت وجودی این فرض از آنجا ناشی می‌شود که زنجیره حمل بین دولتی انرژی در اینوگیت، گستره‌ای وسیع از نظر جغرافیایی، از محل بازاری مصرف‌گرفته تا محل بازاری عرضه را^۱ پوشش می‌دهد. به این ترتیب، برای عرضه‌کنندگان انرژی با وارد شدن در سیستم فوق، به‌طور بالقوه راه‌های جایگزین کمتری جهت عرضه محصولات آن‌ها باقی می‌ماند. این خود به معنی ایجاد بهبود نسبی در وضعیت عدم اطمینان مربوط به عرضه انرژی جهان خواهد بود. بقای راه‌های جایگزین کمتر برای

۱. اگر این اصطلاح درست باشد

منطق اقتصاد رفاه^۱ و ضابطه کارآمدی پارتو^۲، جهانی که در آن اروپا و یا غرب به عنوان بخش بزرگی از مصرف‌کنندگان عمده انرژی توانسته باشند نااطمینانی‌های عرضه‌ای و قیمتی انرژی را در میان خود کاهش داده باشند، به مراتب بهتر از جهانی خواهد بود که این منطقه از جهان نیز مانند سایر مناطق آن، اسیر نااطمینانی‌های عرضه‌ای و قیمتی انرژی باشند.^۳ اضافه بر این، اثرات ناشی^۴ از انتظام در بازار انرژی اروپایی، به انتظام بازار انرژی در سایر مناطق جهان خواهد انجامید و کارایی بیشتر آن بازارها را در پی خواهد آورد.

۶-۲-۲ - به‌رغم برتری نسبی آینده اروپا (و غرب) در بازار انرژی در اثر بالا گرفتن کار ایننوگیت و منشور انرژی، وضع نسبی کشورهای مصرف‌کننده انرژی جهان و به‌طور مشخص کشورهای واقع در مناطق واقع در شرق جهان از نظر اقتصاد انرژی بهبود خواهد یافت.

۳. منطق یادگیری‌های تراکمی ناشی از هم‌پیوندی اقتصادی

براساس تئوری اقتصاد هم‌پیوندی^۵، کشورهاییکه قصد نزدیکی اقتصادی و سیاسی

به یکدیگر را داشته و در نهایت فکر تشکیل اتحادیه اقتصادی واحدی را در سر می‌پرورانند، از انجام چنین امری به‌صورت دفعی و یک‌باره عاجزند. زیرا ساختارهای تاریخی، اقتصادی، نهادی و قانونی این کشورها ممکن است دارای تفاوت‌های محسوسی نسبت به یکدیگر باشند. وانگهی از حیث تعامل کشورهای واقع در خارج از بلوک اقتصادی موردنظر با آنان (پس از شروع روند همگرایی در میان گروه کشورهای هم‌پیوندی)، وضع کاملاً قابل پیش‌بینی نیست.

1. Welfare Economics

۲. Pareto efficiency Criterion، وضعیتی در اقتصاد پارتو - کارآمد تلقی می‌شود که نتواند وضعیت یک فرد را بی‌آنکه وضعیت فرد یا افراد دیگر را بدتر نماید، بهتر نماید.

۳. علت این امر ناشی از این ملاحظه کلیدی است که تفاوت عمده‌ای بین منطقه‌گرایی دهه‌های بعد از ۱۹۹۰ میلادی و دهه‌های اولین قرن بیستم (مانند دهه ۱۹۲۰) وجود دارد. در منطقه‌گرایی آن دوران مناطق اقتصادی جهان بازی‌های با مجموع صفر را مورد عمل قرار می‌دادند، اما اکنون منطقه‌های رو به شکل‌گیری اقتصادی، به موازات تعقیب اهداف منطقه‌گرایانه به نفع کلی که عاید جهان و به تعبیری عاید مناطق رقیب آنان هم می‌شود، توجه نشان می‌دهند.

4. Spill - Over effect

5. Economic integration

روند هم‌پیوندی غیر قابل برگشت^۲ باشد، شاخص‌های کلان اقتصادی کشورهای همگرا به صورت نسبی به یکدیگر میل نموده و فاصله ناسازگار آنان کاهش یابد. همچنین انتظار داریم درجه عدم تقارن ساختار تکنانه‌های دریافتی^۳ اعضا همگرا با گذشت زمان کاهش یافته و کشورهای همگرا، پس^۴ از شروع روند همگرایی از تناسب بیشتری برای همگرایی برخوردار گردند.

سیستم اینوگیت با در برگرفتن موضوع حمل و نقل انرژی از منطقه آسیای مرکزی، قفقاز، اروپای شرقی (و نیز خلیج فارس در آینده) به نظر می‌رسد به‌طور بالقوه چنین یادگیری‌هایی را از طریق در نظر گرفتن امضاء موافقت‌نامه چتری^۵ بین اعضا مدنظر قرار داده است.

1. Spill - Over effect

2. Reversal

3. Asymmetry in Economic Shocks

4. Ex - post vs ex - ante

۵. Umbrella Agreement، موافقت‌نامه چتری یکی از عمده‌های سازمانی اینوگیت است که به صورت یک موافقت‌نامه بین دولتی عمل می‌کند. این موافقت‌نامه سیستم نهادی است که عقلانی نمودن و تسهیل توسعه سیستم‌های حمل و نقل نفت و گاز بین دولت‌ها و جذب سرمایه‌گذاری ضروری برای ساخت و عملیات را طراحی

بنابراین، دولتمردان کشورهای نامزد همگرایی، از آن جهت که دقیقاً به هزینه‌ها و منافع پویای ناشی از هم‌پیوندی آغاز شده توسط خود واقف نیستند، کاملاً حق دارند که نسبت به مضمّن بودن هم‌پیوندی شروع شده تردید به خرج دهند. وجود تفاوت‌های ژنتیکی اقتصادی در میان کشورها و تردید ناشی از نحوه تعامل کشورهای خارج از روند هم‌پیوندی با گروه هم‌پیوند، سبب می‌شود که بهترین استراتژی در زمینه هم‌پیوندی، شروع همکاری در زمینه‌ای باشد که معرف مزیت‌های نسبی اقتصادی آنان است.

آثار سرریزی‌های^۱ تدریجی ناشی از هم‌پیوندی در یک بخش (مانند بخش حمل و نقل انرژی) به سایر بخش‌های اقتصادی، قادر است اقتصاد طرف‌های همگرا را به نحو مثبت و سازنده‌ای تحت تأثیر قرار داده و تسهیل همکاری و هم‌پیوندی تدریجی در بخش‌های دیگر را فراهم نماید. این روند سرریزی تدریجی

درون بخشی و بین بخشی در اقتصادهای متعامل، ضمن فراهم نمودن حس همکاری و برادری بیشتر، برابری تدریجی اقتصادهای آنان را از حیث کارکرد اقتصادی در پی خواهد داشت. بدین ترتیب، ما انتظار داریم که اگر

خواهد آورد.

به این ترتیب، گرچه اینوگیت را در نگاه اول ممکن است بتوان به شکل همکاری در زمینه صرف عبور یک و یا چند خط لوله از کشورهای مسیر تجسم نمود. اما ما بر آن پنداریم که این برنامه به‌طور بالقوه (و در کنار سایر طرح‌های هم‌پیوندی)، از این توانایی بالقوه نیز برخوردار است که هم‌پیوندی عام کشورهای مسیر را با اتحادیه پولی اروپا تهییج نماید.

انرژی ماده اولیه‌ای است که با صرف نسبت‌های مختلفی از دو نهاد اولیه سرمایه و کار قادر است به نیازمندی‌های متنوعی تبدیل شود. در مسیر حرکت انرژی مهم‌ترین دغدغه اقتصادی به‌طور منطقی دو چیز می‌تواند باشد: نخست هزینه‌های حمل و نقل و دوم امنیت حمل و نقل. ترکیب مطلوب و بهینه هزینه‌های حمل و نقل انرژی در سایه تأکید بر اصل مزیت نسبی کشورهای مسیر بدست می‌آید. بنابراین

می‌نماید. این موافقت‌نامه تاکنون توسط ۳۱ کشور آسیای مرکزی، قفقاز، شرق اروپا و اتحادیه پولی اروپا امضاء شده است. به‌طور کلی هدف آن کاستن از ریسک جهانی است که شامل ریسک سیاسی، قانونی، تجاری و محیط زیستی می‌شود. (به نقل از: www.inogate.org)

کشورهای اروپای شرقی در حال حاضر نامزدهای نخست هم‌پیوندی با اتحادیه پولی اروپا را تشکیل می‌دهند. بنابراین هر همکاری بخشی، به‌خصوص در بخش انرژی که یکی از اولویت‌های مهم اقتصادی اتحادیه پولی اروپا را تشکیل می‌دهد، از حیث تسهیل و تقویت هم‌پیوندی نهایی اقتصادی، واجد اهمیت است. کشورهای نزدیک‌تر به سرچاه، مانند کشورهای واقع در آسیای مرکزی و قفقاز، از این جهت مهم هستند که بر سیاست‌های عرضه‌ای انرژی جهان، هرچند به‌صورت حاشیه‌ای، می‌توانند تأثیرگذار باشند. به این دلیل ورود آنان در سیستم اینوگیت به معنی توانا تر نمودن نسبی اتحادیه پولی اروپایی (و غرب) بر پارامترهای بلندمدت عرضه‌ای در بخش انرژی خواهد بود. فایده چنین ورودی برای کشورهای فوق، دستیابی به منابع مالی و فن‌آوری‌کی موردنیاز جهت رشد اقتصادی و تقویت پیوندهای سیاسی و اجتماعی با غرب، به منظور مجهز شدن تدریجی به نهادهای موردنیاز دموکراسی (که ضامن رشد و توسعه اقتصادی در هر کشوری است)، خواهد بود و به تدریج گریز آنان از سیطره مقتدرانه سیاسی روسیه را به ارمغان

همگرایی دست‌های خود را از پشت به یکدیگر قفل می‌نمایند و امکان اقدام متخاصمانه را برای خود در آینده باقی نمی‌گذارند. کشورهای تولیدکننده وارد شده به این‌گونه ترتیبات نیز به دلیل فشارهای بیشتر ماهیتاً اقتصادی تا سیاسی ناشی از هم‌پیوندی، نمی‌توانند کنترل دائمی خود را بر عرضه و میزان قیمت حامل‌های انرژی اعمال نمایند.

الزامات منطقی تئوری هم‌پیوندی اقتصادی مبتنی بر عبور خطوط لوله انرژی، چنین می‌نمایند که این برنامه در نهایت قادر خواهد بود، در کنار سایر برنامه‌های مکمل، به استناد سرعت متفاوت کشورها در پذیرش آثار سرریزی از بخش انرژی به سایر بخش‌های اقتصادی، رتبه‌بندی صحیحی از صلاحیت کشورها در ورود به اتحادیه پولی اروپا را بدست دهد. گرچه چنین حدسی در این مرحله از ساخت و ساز این‌نوگیت قدری نظری جلوه می‌نماید، اما آنچه چنین حدس و گمانی را تقویت می‌نماید این است که همانگونه که بیشتر

آنچه را آدام اسمیت با عنوان تخصص‌گرایی^۱ و ریکاردو به شکل مبسوط‌تری با عنوان کار براساس مزیت‌های نسبی^۲ (که ترجمان منظم‌تری از گفته پیشین اسمیت بود)، مطرح نمودند و (امروز بزرگ‌ترین مشکل اقتصاد ملی ماست)، اتحادیه پولی اروپا امروز به راحتی می‌تواند به نردبانی برای بالا رفتن کشورهای کاندیدای همگرایی با خود از طریق عبور سیستم‌های حمل حامل‌های انرژی مبدل نماید.

از نقطه نظر امنیت عرضه و حمل انرژی به غرب نیز ما بر این باوریم که حمل حامل‌های انرژی از طریق خاک کشورهای همگرا به مراتب از حمل آن از طریق آب‌های آزاد امنیت بیشتری دارد. حتی اگر ما به روند حمل از درون کشورهای مسیر، نه به صورت یک حمل ریزشی که به صورت حملی واحد از مبدأ تولید تا مقصد نهایی غرب بنگریم، (که چنین فرضی بسیار بعید می‌نماید) باز هم بین منافع ناشی از افزایش امنیت حمل به دلیل عبور از درون کشورها و هزینه فرضی پایین‌تر حمل دریایی (بر فرض صحت)، مبادله‌ای منطقی^۳ متصور است. امنیت ناشی از حمل از درون خاک کشورها از آنجا ناشی می‌شود که کشورهای همگرا در یک پیمان

1. Specialization

2. Comparative advantage

3. A Trade off

تأکید شد به نظر نمی‌رسد که این‌گونه به حمل و نقل انرژی در مسیر حرکت آن، به صورت صرفاً عبور یک خط لوله واحد از ابتدا تا انتهای مسیر و حاوی صورت اولیه و خام انرژی بنگرد و بالاخره این که اگر چنین قصدی از سوی اتحادیه مذکور متصور باشد، در آن صورت نه تنها لازم نیست که زبان‌آور خواهد نمود اگر این‌گونه طرح استراتژیکی را اتحادیه پولی اروپا در این مرحله که جذب کشورهای نفت‌خیز در اولویت اول اوست، فاش سازد.

براساس تئوری فوق، حال این سؤال بالقوه مهم می‌نماید که آیا نگاه متقابل ایران و اتحادیه پولی اروپا به این‌گونه و منشور انرژی اروپایی- به‌طور کلی نگاهی مبتنی بر منطق یادگیری‌های تراکمی ناشی از هم‌پیوندی است؟ و یا صرفاً نگاهی است مبتنی بر یک معامله دوجانبه اقتصادی؟

در آثار برخی محققان ایرانی،^۱ هم‌پیوندی با اروپا، در شرایطی که دشمنی متقابل بین ایران و آمریکا حالت کهنه به خود گرفته، یک ضرورت غیرقابل اجتناب معرفی شده است. گرچه محققان در شیوه برقراری این هم‌پیوندی ممکن است با یکدیگر همداستان

نباشند، اما اغلب آنان به دلیل واقع شدن ایران در منطقه بحران‌خیز خاورمیانه، به هم‌پیوندی ایران با کشورهای منطقه خلیج فارس و نیز با کشورهای واقع در منطقه شرق جغرافیایی ایران، به دید مثبتی نمی‌نگرند. از نظر آنان، این گروه از کشورها، اسیر تعهدات خود به امریکا بوده و چنین هم‌پیوندی را صادفانه بر نمی‌تابند. در نتیجه، در جستجو برای رهایی از نروپاشی تدریجی اقتصاد ملی، این محققان نگاه به منطقه پولی یورو را نگاهی سودمند و قابل تحقق ارزیابی می‌نمایند.

اما روشن است که چنین نگاهی به منطقه یورو، اگر بخواهد سودآور تلقی شود، باید با نگاه متقابل منطقه پولی فوق به ایران همخوانی^۲ داشته باشد و یک «اگر» بزرگ مسأله در همین نکته نهفته است. در این صورت آیا بر فرض نگاه همگرایانه ایران به منطقه پولی یورو، چنین سازگاری در نگاه، بین دو سوی مسأله در کوتاه‌مدت قابل تصور است؟^۳

۱. از جمله در اثر محمود سریع‌القلم با عنوان *پسارادایمی برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*.

2. Reciprocity

۳. به نظر می‌رسد اتحادیه پولی اروپا در بدو امر

تراکمی ناشی از هم‌پیوندی در مسأله انرژی و ایننوگیت، ایران به تدریج بر سر یک دو راهی واقع خواهد شد:

راه نخست: نگاه به پیوستن به ایننوگیت و منشور انرژی با منطق تراکمی فوق و تعدیل سیاست‌های داخلی و خارجی و حصول توافق پایدار و (نه سیاسی و زودگذر) با اتحادیه پولی اروپا است. در آن صورت، به نظر می‌رسد ایران، به شرط توافر سایر شروط، اولین حلقه مولد در عالم هم‌پیوندی خود با اتحادیه پولی اروپا را لمس نموده و خود را در جاده هموار هم‌پیوندی با اتحادیه فوق قرار داده است. ما در حال

از هم‌پیوندی پیشنهادی ما استقبال ننماید. زیرا یک ایران تقویت شده در سایه هم‌پیوندی با منطقه مزبور نرخ رشد قابل توجهی خواهد یافت و بخشی از انرژی تولیدی خود را خواهد بلعید. پس داشتن اقتصادی متزلزل و با نرخ رشد کمتر شاید مورد خوشایند بیشتر اروپائیان باشد. مضافاً منطقه مزبور درگیر گسترش حوزه عضویت خود است که این گسترش ترافیک بیشتر و مصرف بیشتر انرژی را در پی خواهد داشت. پس وقت کمتری برای پرداختن به هم‌پیوندی پیشنهادی ما خواهد داشت. اما سخن ما این است که ایران باید منطقه مزبور را وادار به هم‌پیوندی کند و از چنین قدرتی با داشتن انرژی وافر نفت و گاز برخوردار است.

1. Continuity principle in policy making

به نظر می‌رسد وجود حداقل دو مانع، همخوانی و تطابق در نگاه را بین ایران و منطقه فوق تضعیف می‌کند: اول این‌که اساساً در شکل هم‌پیوندی‌های جدید اقتصادی شمال - جنوب، (که مقوله هم‌پیوندی ایران با منطقه پولی یورو از آن نوع است)، کشورهای شمال نه تنها حاضر نیستند که به کشورهای جنوب امتیازی را واگذار کنند، که گاهی درخواست امتیاز هم می‌نمایند.

ثانیاً: در ابعاد سیاسی و اقتصادی، عناصر مزاحمی در سیاست داخلی و خارجی ایران در راه هم‌پیوندی فوق وجود دارد و این عناصر اصل پیوستگی^۱ در سیاست‌های غرب و به خصوص اتحادیه پولی اروپا را به شدت به چالش می‌طلبند. بنابراین، دشوار به نظر می‌رسد که ایران بتواند از طریق تقویت و بلکه طراحی روابط دوجانبه قوی با قدرت‌های برتر در اتحادیه پولی اروپا و بلکه ارائه امتیازات سیاسی و اقتصادی به آنان، بر روند نگاه کلی آن اتحادیه نسبت به خود در زمینه‌های اساسی مورد اختلاف فائق آمده و آنان را با منافع بلندمدت خود هماهنگ نماید.

به هر حال، از نظر منطق یادگیری‌های

حاضر، دلایل زیادی در دست نداریم که نسبت به آثار ناشی از اجرای این سیاست مشکوک باشیم. ما بر این باوریم که گرچه ایران با شروع روند هم‌پیوندی در مسأله انرژی، قدرت چانه‌زنی خود را در اساسی‌ترین محصول صادراتی اقتصاد خود، یعنی نفت و گاز، در مقابل منطقه پولی یورو از دست خواهد داد، لکن با استفاده از آثار مثبت سرریزی‌های ناشی از هم‌پیوندی در بخش فوق و سرایت فضای همکاری و هم‌پیوندی به سایر بخش‌های اقتصاد ملی و نیز به عالم اجتماع و سیاست، قادر خواهد بود منفعتی به مراتب بیشتر از زیان‌های متحمل از ورود را نصیب خود سازد.

به نظر ما معجزه ناشی از هم‌پیوندی، توانا نمودن اقتصاد ایران در بدست آوردن آرایش انتظامی^۱ است. حصول این انتظام در فضای گروه‌گرایانه^۲ فعلی غیرقابل دستیابی به نظر می‌رسد. قدرت اقتصادی کشور به تاسی از تاریخ ایران، به هیأت ملوک‌الطوایفی توزیع شده است. اجزاء بخشی این قدرت، به‌رغم هماهنگی اجرایی فیمابین خود و تعادل‌پذیری و در نتیجه پدید آوردن تعادل کل اقتصاد دخل و خرج درآمدهای نفتی، قادر نیستند کل منسجم و

واحدی را که از کارایی کافی برخوردار بوده و یا حداقل با ترخی قابل اعتنا تولید کل کشور را افزایش دهد، پدید آورند.

به هر حال، به نظر ما در حالی که روند هم‌پیوندی از طریق انرژی با اتحادیه پولی اروپا، روندی زمان‌بر و طولانی خواهد بود، اما از آنجا که ظرفیت‌های مولد اقتصادی و اشتغال موردنیاز امروز ایران را در پی دارد، یک ضرورت خواهد بود. طرح‌های اشتغالزای امروز ایران در فضای فاقد استراتژی کلان اقتصادی، با نگاهی یک‌جانبه از سوی سازمان‌های اقتصادی مختلف کشور ارائه شده و به مورد اجرا گذاشته می‌شوند. ما نسبت به آثار مفید اقتصادی این طرح‌ها در بلندمدت شدیداً ظنیم هستیم و آن را مقوله‌ای نزدیک به اتلاف منابع کمیاب اقتصاد ملی می‌دانیم.

راه دوم: آن است که ایران تصمیم داشته باشد به اینوگیت و منشور انرژی بپیوندد، اما از زاویه‌ای متفاوت از زاویه یادگیری‌های تراکمی ناشی از هم‌پیوندی. در آن صورت، ارزش مترتب بر عضویت ایران در اینوگیت و منشور

1. Disciplinary

2. Factionalism and Favoritism

ندارند. برای این کشورها مادامی‌که علائقی به غیر از علائق رقابتی در دنیای سیاست و اقتصاد مدنظر باشد، بهترین استراتژی خارج شدن از چارچوب یک‌جانبه و تشکیل گروه در مقابل طرف‌های اقتصادی خود می‌باشد. نگاه به این‌گونه در غیر حالتی که ایران هم‌پیوندی اقتصادی با منطقه یورو را مآلاً مدنظر داشته باشد، از این قاعده مستثنی نیست. اما ایران به شرطی می‌تواند به امید هم‌پیوندی اقتصادی از بخشی از استقلال اقتصادی خود چشم‌پوشی نماید، که واقعاً مطمئن باشد در طرف مقابل شرایط روانی پذیرش هم‌پیوندی را ایجاد نموده است. در غیر این صورت، نگاه به هم‌پیوندی بیش از خیالی تو خالی نخواهد بود و به احتمال میوه رضایت بخشی را بیار نخواهد آورد. این مسأله یک تله بزرگ سیاسی به نظر می‌رسد. بیشتر در این باره بعداً خواهد آمد.

۴. این‌گونه و تضاد منافع اقتصادی اروپا و

آمریکا

در ورود به سیستم انرژی اروپایی و نیز این‌گونه، متخصصان ایرانی به نظر می‌رسد از دو زاویه تحفظ نشان داده‌اند:

انرژی باید حداقل به اندازه هزینه‌های ناشی از عدم ورود در آن باشد. عضویت ایران گرچه به استاندارد نمودن شبکه حمل و نقل داخلی انرژی و معیارهای زیست‌محیطی و نیز سیاست‌گذاری قیمت انرژی با آنچه مطلوب جامعه بین‌المللی است، خواهد انجامید، اما به همان اندازه در دنیای هم‌پیوندی‌های آتی اقتصادی، این کشور را بدون یار و یاور باقی خواهد گذاشت. در صورتی که ایران چنین راهی را انتخاب نماید، باید از موضع یک‌جانبه‌گرایانه اقتصادی به موضعی چندجانبه و منطقه‌ای و همراه با خواهران تولیدی خود در منطقه منتقل شود. به عبارت دیگر، ایران لازم است با تحفظ کامل در مقابل این‌گونه، به هم راستا نمودن موضع‌گیری‌های خود با مواضع سایر کشورهای نفتی در خلیج فارس و حتی کشورهای عضو اپک و خارج از آن مانند روسیه در مقابل این‌گونه دست یازد.

به‌طور کلی، از نظر اقتصادی کشورهای

کوچک اقتصادی مانند ایران، در چارچوبی به غیر از اقتصاد رقابتی و به شرط انتظام از پیش متوافر اقتصادی، قدرت چانه‌زنی زیادی را برای مواجهه با کشورها و بلوک‌های اقتصادی بزرگ

زاویه نخست آن که به استناد بعضی مواد مندرج در معاهدات فوق که دست کشورهای عضو در خارج از اتحادیه پولی اروپا را برای انتخاب‌های آزاد در آینده می‌بندد، معتقدند که نباید میزان تعهدات کشور در مقابل خارجیان، آن‌هم در مهم‌ترین بخش حاوی مزیت‌های برتر اقتصادی به شکل ریسک‌آوری افزایش داده شود.^۱ ما چنان نگاهی را می‌توانیم "مخالفت با اینوگیت بر سبنای یکجانبه‌گرایی اقتصادی" بنامیم.

البته احتمالاً متخصصان فوق کمتر توجه دارند که در شرایطی که کشور به واسطه انواع اختلالات^۲ اقتصادی و سیاسی بیرونی و درونی قادر نیست به اجماع بزرگی در زمینه طراحی و اجرای استراتژی کلان اقتصادی برسد، رتق و فتق یکجانبه امور جاری کشور و تلاش برای دستیابی به سرمایه، فن‌آوری و تکنیک در سطح بین‌المللی و ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی، مستلزم طراحی و اجرای قراردادهای دو جانبه‌ای است که تعهدات ناشی از آن‌ها به‌خصوص در هنگام بروز اختلاف و ارجاع مورد اختلاف به سازمان‌های حقوقی بین‌المللی، زیانی کمتر از تعهدات ناشی از ورود

به سیستم انرژی اروپایی، در برداشته باشد. ما معتقدیم در شرایطی که سیاست پولی مستقل^۳ قادر نیست تشبیت ماندگار قیمت‌ها و فعالیت اقتصادی^۴ را سبب شود و در شرایطی که استراتژی کلان اقتصادی به شکل معنی‌دار و حاوی جزئیات آن نمی‌تواند طراحی شده و یا به مورد اجرا گذاشته شود، یکجانبه‌گرایی اقتصادی و انعقاد قراردادهای دوجانبه اقتصادی با علائم پیش برنده سیاسی، مخصوصاً با اعضای بلوک‌های بزرگ اقتصادی از حیث مضرات آتی می‌تواند مخاطره‌آمیز باشد. زیرا به‌همان اندازه که در یک قرارداد دوجانبه، ایران موضعی یکجانبه و گسسته از اهداف بلوک‌های اقتصادی دارد، طرف‌های مقابل آن می‌توانند موضعی پیوسته به آن بلوک‌ها داشته و

۱. یکی از بندهای موافقت‌نامه چتری مشعر به این است که موافقت‌نامه برای سرمایه‌گذاران و دولت‌های عضو تضمین ایجاد می‌نماید که کشورهای عضو نمی‌توانند بعداً اصلاحیه قانونی را که به ضرر پروژه‌های موجود باشد، به مورد اجرا بگذارند.

2. Domestic and international, Economic and Political Distortions

3. Independent national currency

4. Economic and Price Stability

احتمال ممکن است مبتنی باشد که در واقع تعارضی بین اهداف بلندمدت و منطقه مزبور در برنامه انرژی، حداقل در ابعادی که به منافع ما از اینوگیت مربوط می‌شود، وجود نداشته باشد. به تعبیر دقیق‌تر، در حالی که می‌توان به درستی چنین پنداشت که دو منطقه فوق، حساسیت ویژه‌ای نسبت به چگونگی کنترل بر مناطق نفت‌خیز جهان دارند، اما هر دو بلوک به‌طور یکسان نسبت به کاهش دامنه نااطمینانی در عرضه انرژی جهانی و کاهش هزینه‌های زیست‌محیطی و اقتصادی شبکه‌های حمل و نقل انرژی و بالا بردن استانداردهای آن اتفاق نظر دارند. چنین اتفاق‌نظری، سبب همکاری‌های بالقوه آتی آنان، به‌رغم وجود تضاد در منافع اقتصادی، به‌عنوان یک اصل خواهد شد. یکی از این همکاری‌های بالقوه، اشتراک مساعی در زمینه تأمین انرژی موردنیاز خود بر مبنای مزیت‌های نسبی سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی آنان در کنترل بازار انرژی است. منطقه پولی اروپا به چاه‌های نفت و گاز منطقه خلیج فارس و آسیای مرکزی و قفقاز از نظر جغرافیایی نزدیک‌تر است. بنابراین نفع آتی هر دو بلوک در سایه همکاری در این موضوع و

تمنیات آنان را در شکل معامله‌های دوجانبه مورد تعقیب قرار دهند. به این ترتیب، بلوک‌های اقتصادی قادر خواهند بود نیازمندی‌های خود را با کمترین هزینه به چنگ آورده و بر فقر فقیران موجود در کشورهای کوچک مخالف خود بیفزایند.

زاییده دوم در نگاه تحفظ‌آمیز متخصصان ایرانی در ورود به سیستم اینوگیت و انرژی اروپایی به تردید آنان درباره جهت‌های آتی منطقه‌گرایی ایران بر می‌گردد. بعضی متخصصان ممکن است چنین بیندیشند که اینوگیت بر اصل منطقه‌گرایی اروپا در مقابل منطقه‌گرایی امریکا بنیان نهاده شده است. اگر چنین فرضی درست باشد، در آن صورت هم پیوندی ایران گرچه در حال حاضر و به‌دلایل سیاسی با امریکا فاقد معنی است، اما به دنبال برطرف شدن موانع سیاسی، ممکن است در آینده شدیداً معنی‌دار گردد. در آن صورت ایران به‌منظور حداکثر بهره‌برداری از هم‌پیوندی خود با منطقه دلار، لازم خواهد بود که تعهداتی از پیش موجود در مقابل سایر بلوک‌های اقتصادی نداشته باشد. نگاه فوق‌گرفته از نظر اصولی منطقاً قابل قبول است، اما بر غفلت از این

عرضه و حمل و نقل انرژی در این منطقه از جهان گام بر می‌دارد، امریکا در رأس منطقه آتی دلار می‌تواند خود را برای مقابله با عوامل نااطمینانی و تهدیدهای بالقوه سیاسی و نظامی از جانب گروهی از کشورها که از عرضه انرژی به شکل موردنظر آمریکا و اروپا متضرر می‌شوند، آماده نماید. بنابراین، یک استراتژی بلندمدت و مفید برای همه کشورهای مصرف‌کننده خواه در بلوک یورو و دلار و خواه در خارج از آن شکل می‌گیرد. این استراتژی به دلیل در برداشتن عوامل تعادل بخش از جانب تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، می‌تواند تعادل بلندمدت بازار انرژی جهان را به دست دهد.

یک اثر جانبی کاربرد این استراتژی در کشورهای تولیدکننده انرژی آن است که مردم این کشورها بتدریج با محروم شدن از رانت‌های نفتی، به دنبال برقراری نظم رقابتی در بازار انرژی و کاهش قیمت حامل‌های انرژی به قیمت‌های رقابتی خود، تلاش خواهند نمود تا به کارآمدی سازمان سیاسی و اقتصادی خود از طریق کنار گذاشتن رژیم‌ها و دولت‌مردان نالایق خود سرعت بخشیده و نظامی با هنجارهای هماهنگ و

واگذاری مسأله تأمین و انتقال انرژی تا مرزهای ورودی منطقه دلار به منطقه پولی اروپاست. اروپا چه این که با در بر داشتن استعمارگران کهنه‌ای همچون انگلیس، فرانسه و آلمان از شناخت قسوی‌تری در این منطقه از جهان برخوردار است و بهتر قادر خواهد بود عوامل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تأثیرگذار بر کشورهای اروپای شرقی، آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه را درک نموده و با آن‌ها سروکار و تعامل داشته باشد. در این صورت اصل همکاری با هدف حداکثر نمودن منافع اقتصادی دو بلوک یورو و دلار، اقتضاء می‌کند که اروپا در این مسیر به عنوان نیروی با مزیت برتر ظاهر شود و چنین گامی نه تنها مورد اعتراض آمریکا نباشد که با دست‌کاری‌های حرفه‌ای در زمان‌بندی سفرهای منطقه‌ای و استفاده از عدم قرینگی اطلاعات^۱ چنین وانمود شود که کشورهای واجد حساسیت، از طریق این‌گونه معاملات با بلوک پولی اروپا، حداکثر رضامندی و امنیت آینده را نصیب خود و حداکثر زیان را نصیب کشورهای مخالف خود نموده‌اند.

به این ترتیب، به‌طور همزمان در حالی که اروپا در مسیر انتظام بخشیدن به موضوع

1. Information asymmetry

۵. اینوگیت و تضاد منافع اقتصادی شرق و غرب

اگر بخواهیم موضوع سیستم انرژی اروپایی و اینوگیت را از زاویه منافع اقتصادی غرب در مقابل شرق مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، به نظر می‌رسد این موضوع بیش از آن که بخواهد به‌عنوان تهدیدی بلندمدت از سوی منطقه یورو نسبت به منطقه دلار جلوه نماید، باید آن را به‌صورت تهدیدی بالقوه از سوی غرب در کلیت خود (شامل منطقه یورو و دلار) در مقابل شرق تلقی نمود.

این که بلوک‌گرایی اقتصادی کشورهای واقع در شرق و جنوب آسیا، در آینده به چه صورتی گسترش یابد، محل تردید است. یکی از سناریوهای بیشتر محتمل آن است که هماهنگی با خواست بسیاری از کشورهای شرق آسیا، اغلب کشورهای مهم در این منطقه از جهان و حتی چین در قالب کشورهای عضو آپک، (به‌عنوان زیرمجموعه تحت نفوذ امریکا) و یا در بلوکی حاوی مجموع علایق آمریکا و کشورهای این منطقه دور هم گرد آیند. در آن صورت، لزوماً نمی‌توان تفاوت زیادی را بین علایق منطقه دلار و علایق کشورهای مزبور قابل شد.

نزدیک‌تر به هنجارهای جامعه بین‌المللی را تجربه نمایند.

بنابراین، اگر وضعیت آتی جهان را بر مبنای فوق قابل ترسیم بدانیم، در آن صورت می‌توان حدس زد که به تدریج از ایامی که نفت به‌عنوان یک کالای با قیمت انحصاری در اقتصاد جهانی نقش بازی نماید، داریم دور می‌شویم. نفت با تلاش هماهنگ کشورهای جهان - که اکنون راحت‌تر از هر زمان دیگر به شکل گروهی و بلوک‌بندی شده با یکدیگر استراتژی‌های موردنظر خود را اتخاذ نموده و به مورد اجرا می‌گذارند - به شکل کالایی درخواهد آمد که به‌طور هم‌زمان نیروهای رقابتی در جانب عرضه و تقاضا، قیمت آن را تعیین خواهند نمود. در حال حاضر، عوامل گسترده ناطمینان‌بخش در جانب عرضه نفت، عامل مهمی در نوسانات بیش از حد ضروری قیمت نفت محسوب می‌شود. غربیان بر این باورند که قیمت نفت بر پایه انحصار و کنترل دست‌کاری شده عرضه کل از سوی کشورهای تولیدکننده، بیش از حد لازم بالا نگه‌داشته شده است.

اما اگر کشورهایی مانند چین و حتی روسیه که اکنون در مسیر دوستی و نوعی درهم تنیدگی تجاری با امریکا گام بر می‌دارند، به تدریج و یا دفعه‌تاً به دلیل تداوم نهادها و ساختارهای ضعیف و مباین آنان با دموکراسی، پلورالیستی غربی، در مسیر دیگری گام بردارند، در آن صورت دست‌اندازی مشترک اروپا و آمریکا به انرژی‌های موجود در منطقه خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز، بلوک غرب را در وضعیت بهتری نسبت به بلوک شرق قرار خواهد داد. این وضعیت برتر لزوماً معلوم نیست که مورد انتقاد شرق قرار گیرد و حتی اگر چنان‌حس انتقادی را برانگیزد، به دلیل برتری‌های طبیعی اروپا و امریکا در نفت و گاز آن روز جهان، معلوم نیست که انتقادی مؤثر و مسأله‌برانگیز برای غرب باشد.

زیرا اولاً رفتار منطقه یورو و دلار در انتظام بخشیدن به بازار انرژی و کاهش نااطمینانی‌های عرضه‌ای و در نتیجه ایجاد ثبات و کاهش قیمت آن، مطلوب کشورهای آسیای شرقی، به‌عنوان جزئی از جهان بزرگ‌تر و در بردارنده منطقه یورو و دلار خواهد بود. ثانیاً کشورهای واقع در منطقه شرق جغرافیایی

جهان، در حال حاضر در مقابل گسترش سیستم انرژی غرب و اینوگیت، موضعی سکوت‌آمیز و انفعالی را در پیش نگرفته‌اند. اغلب کشورهای مهم شرق در حالی گسترش سیستم اینوگیت را مورد اغماض (و یا حتی تأیید) قرار می‌دهند، که در همان حال یا به تقویت هم‌پیوندی‌های خود با امریکا در آپک نظر دارند و یا مانند چین و روسیه به درهم تنیدگی تجاری بیشتر خود با اقتصاد امریکا دارند سرعت می‌بخشند و سودی کلان را به زبان اشتغال و رشد اقتصادی ملی بیشتر دارند نصیب خود می‌سازند.

تئوری اقتصادی ما در این قسمت این است که از آن زمان که کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته به عنوان دو موجودیت متفاوت، بر عرصه گیتی ظاهر شده‌اند، به دشواری می‌توان کشوری توسعه نیافته را در نظر آورد که در روندی غیر مسالمت‌آمیز و غیر علاقمند به نوعی درهم تنیدگی با کشور یا کشورهای توسعه یافته اقتصادی، توانسته باشد از حلقه توسعه نیافتگی خارج شده باشد. این بدان معنی است که التزام به قوانین رقابتی و بازاری اقتصاد - با هر درجه‌ای که مدنظر باشد - به نوعی همسایگی و تماس فیزیکی گسترده با کشورهای

به‌طور هم‌زمان نیاز به درهم تنیدگی تجاری برای کشورهای شرقی مصرف‌کننده انرژی و فواید اقتصادی ناشی از درهم تنیدگی فوق، سبب می‌شود که این کشورها، اجازه دهند تا این‌گونه سیستم‌ها راه خود را به درستی بسپمایند. در مجموع تدارکات فوق برای کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی در شرق جهان سبب می‌شود تا طبیعت اشاعه‌پذیر فن‌آوری اتمی تا حد قابل توجهی در آینده منشأ ناامنی و نااطمینانی خود را از دست بدهند، گرچه این منشأ نااطمینانی به صفر میل نخواهد کرد.

۶. اینوگیت و کشورهای منطقه خلیج فارس و اوپک

با بررسی‌هایی که در قسمت‌های پیشین صورت گرفت، اینک می‌توان اینوگیت و منشور انرژی را پیش از آنکه تهدیدی از سوی منطقه یورو در مقابل منطقه دلار و یا تهدیدی از سوی غرب در مقابل شرق تلقی نمود، آن را تهدیدی بر ضد کشورهایی که از نفت به‌عنوان یک سلاح سیاسی استفاده نموده و یا با دست‌کاری در

موفق در آن قوانین در عرصه عمل، نیاز دارد. به‌رغم این دلایل، به نظر ما دو مسأله سبب می‌شود که امریکا و اروپا به سیستم سامان‌دهی انرژی خود به‌عنوان سیستمی امنیتی در مقابل شرق نگاه کنند:

نخست آنکه شرق متنوع در فرهنگ، به‌رغم پیش‌بینی روندهای مسلط^۱ و خوشایند در آینده، امکان تسلط آتی روندهای فرعی و غیرقابل اعتناء در حال حاضر را باقی می‌گذارد و این منبعی از نااطمینانی دائمی می‌تواند تلقی شود.

دوم آن که طبیعت اشاعه‌پذیر فن‌آوری سلاح‌های کشتارجمعی و انرژی اتمی، سبب می‌شود که تا حد امکان دست کشورهای صاحب‌انگسازه جهت بهره‌برداری از آن فن‌آوری، در سیستم تعهدات منطقه‌ای مانند اینوگیت از پشت به یکدیگر قفل شده و امکان سوءاستفاده‌های آتی آنان کاهش یابد. سیستم تعهدات مندرج در اینوگیت و نظایر آن، با اعطای انگیزه‌های اقتصادی به کشورهای هدف در میان تولیدکنندگان انرژی در منطقه ما، دلایل کمتری را برای آنان در مخالفت با روندهای مسلط جهانی در آینده باقی می‌گذارد.

1. Mainstream and dominant trends

میزان ورود نفت به بازار انرژی، قیمت بازاری آن را در سطحی به مراتب بالاتر از هزینه تمام شده تولید به علاوه سود نرمال آن تعیین می‌کنند، دانست.

کشورهای تولیدکننده انرژی از نظر منطقی به سه دسته قابل تقسیم هستند:

دسته اول کشورهایی هستند که از نظر اقتصادی بزرگ محسوب می‌شوند. دسته دوم کشورهایی هستند که از نظر اقتصادی بزرگ نیستند و لکن از انتظام اقتصادی و تثبیت نظام قیمت‌ها و فعالیت اقتصادی برخوردارند و دسته سوم کشورهایی هستند که نه تنها از نظر اقتصادی کوچکند که فاقد توان تکنیکی در برقراری انتظام اقتصادی و قیمتی می‌باشند.

در حالی که گروه اول از این کشورها مانند روسیه، به نظر ما به احتمال زیاد در مقابل اینوگیت و سیستم انرژی اروپایی در قالبی دو جانبه وارد تعامل خواهند شد و امتیازاتی را نصیب خود خواهند نمود، وضع دو گروه دیگر متفاوت خواهد بود. به این صورت که وضع در کشوری مانند عربستان که نه تنها خود را به لحاظ ثنوری و عمل اقتصادی ملتزم به عدم استفاده از نفت به عنوان سلاحی سیاسی می‌داند، که دارای

ظرفیت بالای تولید نفت بوده و از تورم پایین قیمت‌ها برخوردار است و از نظر سیاست بین‌المللی در سایه سیاست‌های کارآمد آمریکا گام بر می‌دارد، از وضع در کشوری مانند ایران با خصوصیاتی متفاوت در هریک از عوامل مورد اشاره، متفاوت است. به همان میزان که عربستان ممکن است از گسترش سیستم اینوگیت و انرژی اروپایی به خود هراس راه ندهد، ایران قاعداً باید بیمناک باشد.

آنچه مسلم است درک شرایط حاکم بر اقتصاد بین‌المللی جهان به ما می‌آموزد که در حال حاضر چارچوبی برای ایران جهت پیوستن به اینوگیت به جز چارچوبی یکجانبه را نمی‌توانیم تصور نماییم. منظور ما از پیوستن یکجانبه به سیستم اینوگیت، این است که ایران بدون هیچگونه حق چانه‌زنی قبل از ورود و بدون دریافت هیچگونه امتیازی در ازای ورود به سیستم اینوگیت و منشور انرژی وارد خواهد شد. بعلاوه، اتحادیه پولی اروپا هیچگونه تعهدی را در مقابل ورود ایران، از حیث جبران هزینه‌های مترتب بر ورود آن در آینده برای ایران به رسمیت نخواهد شناخت. بلکه مدعی خواهد بود که در مقابل در اختیار گذاشتن فن‌آوری‌های

چنین کشوری براساس منطق اقتصادی، از حالت تک‌محصولی و وابستگی به درآمد نفت خارج شده و بنابراین بسته به وضعیت آینده بازار انرژی، قادر خواهد بود در هر زمان، بهترین واکنش ممکن نسبت به بازار را از خود نشان دهد. در چنین اقتصادی وابستگی به درآمدهای نفت و گاز برای اداره کشور یک اولویت اجتناب‌ناپذیر نیست. قدرت مانور کشور براساس توانایی آن در ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌های خارجی به اقتصاد اجازه خواهد داد که ورود در ترتیبات جهانی را تنها در زمانی مورد تعقیب قرار دهد که مطمئن باشد که منافع ناشی از ورود به مراتب از هزینه‌های ناشی از عدم ورود بزرگ‌تر است. یک اقتصاد با ویژگی ثبات در نظام قیمت‌ها، اقتصادی محسوب می‌شود که مهم‌ترین پیش‌شرط توسعه یافتگی را نصیب خود نموده است. تورم نه تنها عبارت است از افزایش مقیاس قیمت‌های یک اقتصاد، که عبارت است از برهم زدن نظم و اندازه‌های یک خط‌کش اقتصادی. اگر در یک خط‌کش اندازه واقعی بین اولین سانتی‌متر و دومین سانتی‌متر حک شده بر روی خط‌کش با

تولید و عرضه نفت و گاز و نیز بازگذاشتن دست سرمایه‌داران منطقه خود به سرمایه‌گذاری در نفت و گاز ایران، ایران باید به تعهدات خود در اینوگیت پای‌بند بماند. به‌عنوان مثال ایران حق نخواهد داشت نسبت به عبور خطوط آینده حمل انرژی از خاک ایران، که توسط اینوگیت در نظر گرفته شود، به هر دلیل ممکن، از خود مخالفتی نشان دهد. تصویر این نوع هم‌پیوندی از نوع هم‌پیوندی‌های شمال - جنوب است که کشورهای شمال نه تنها امتیازی را به کشورهای جنوب واگذار نمی‌کنند که از آنان در مقابل اجازه یافتن در دسترسی به بازار سرمایه و کالای خود، امتیاز می‌خواهند.

حال سؤال این است که با فرض نگاه یکجانبه و یا دو جانبه، به‌عنوان یک تئوری بهینه دوم،^۱ کشورهای عضو اوپک آیا باید به‌صورت انفرادی و یا جمعی در مقابل اینوگیت و منشور انرژی موضع بگیرند؟

به‌نظر می‌رسد هر کشور فرضی عضو اوپک که توانسته باشد از سیاست پولی مستقل برخوردار بوده و دو هدف تثبیت قیمت‌ها و فعالیت اقتصادی را بدست آورده باشد، لزومی ندارد که به اینوگیت با عجله وارد شود. زیرا

1. Second - best theory

اندازه بین چهارمین و پنجمین سانتی متر حک شده بر روی آن متفاوت باشد، دیگر نمی توان انتظار داشت که خط کش مزبور وظیفه کلاسیک اندازه گیری خود را به درستی انجام دهد. درک ما از تورم چنین درکی است. تورم نه تنها اندازه های اقتصادی که اندازه های اجتماعی یک جامعه را تخریب می نماید.

امسا کشورهای که در اهداف فوق (تثبیت قیمت ها و فعالیت اقتصادی)، توفیقی را به چنگ نیاورده باشند، بهتر است در قالبی چندجانبه و در سایه مشورت با سایر تولیدکنندگان و به صورت جمعی در مقابل اینوگیت و منشور انرژی حتی المقدور واکنش به خرج دهند. هماهنگی بین کشورهای نفتی و عضو اوپک در مقابل سیستم انرژی اروپایی، نتایجی روشن تر را نسبت به ورود یکجانبه و انفرادی آنان به بار خواهد آورد. مگر آن که کشورهای پیوند جوینده، مصمم باشند که در

مسیر مداوم و بلندمدت هم پیوندی با منطقه پولی یورو گام بردارند. در آن صورت چارچوب یکجانبه ورود به اینوگیت و اعطای امتیازات اقتصادی، هزینه ای به مراتب کمتر از منافع پویای هم پیوندی اقتصادی به بار خواهد آورد. از نظر ما این شق از مسأله به شرط آن که در طرف مقابل انتظاراتی مساعد از حیث هم پیوندی به بار آورد، بهترین گزینه است. به همین دلیل است که ما از اینوگیت و منشور انرژی به عنوان راه ها و بسملکه بهانه هایی کسه قادرند هم پیوندی عام اقتصادی ایران با منطقه پولی یورو را به ارمغان آورند، در اینجا یاد نمودیم.

علی بی نیاز

اداره همکاری های اقتصادی منطقه ای